

اعجاز قرآن

درس بیست و پنجم

استاد : حجت الاسلام و المسلمین صادق نیا

آموزشیار : سرکار خانم حیدری

تناسب فواصل آیات با مضمون آن، یکی از محورهای مورد بحث در پیوستگی ساختار سوره ها است که ششمین مورد از وجوه اعجاز بیانی در تقسیم بندی آیت الله معرفت و یکی از شگفتی های قرآن به شمار می رود. در این درس ابتدا اشاره ای به تناسب فواصل نموده و مثالی از این نوع تناسب را در سوره مائده بیان می کنیم، سپس انواع چهارگانه فاصله را ذکر نموده، و در پایان به بحث وجود سجع در قرآن و مفهوم سجع اشاره خواهیم کرد .

تناسب فواصل :

گاهی تناسب و ارتباط، بین سیاق هر آیه و کلمه آخر آن (و به اصطلاح، تناسب بین سیاق و فواصل آیات) می‌باشد؛ زیرا تناسب بین سیاق آیات قرآن و کلمه آخر آیات، امری قطعی و حتمی است و همین ارتباط و تناسب لفظی و معنوی موجود در آیه است که شأن آیات و مقام بلاغت و فصاحت آنها را بالا برده و تکمیل می‌نماید. و به طور کلی رونق و زیبایی و حسن یک آیه، در همین تناسب و ترابط لازم، نهفته است. رمائی، فواصل را عبارت از حروفی همشکل در مقاطع کلام می‌داند که باعث می‌شود تا انسان معانی را خوب درک کند. فواصل قرآن دارای زیبایی و بلاغت است، چرا که پیرو معانی است، بر خلاف سجع کاهنان که پیرو مقصود نیست.

نمونه‌ای از تناسب فواصل آیات با محتوا :

این سخن خداوند در سوره مائده، که سه بار تکرار شده است : «...وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ...»

۱. آیه: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَنْبِيَاءُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ أَحْشَوُا اللَّهَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»^۱ عبارت مذکور، در این آیه، با «فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» ختم شده است؛ زیرا مضمون این آیه، اصول اعتقادی و نشانه‌های توحید است و هر کس بآن به مخالفت برخیزد به آیات الهی کفر ورزیده است.

۲. آیه: «وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۲ همان عبارت، در این آیه، با «فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» ختم شده است؛ زیرا سخن درباره داوری به حق است و کسی که از فرامین الهی در این مورد، سرپیچی کند سبقت کرده است.

۱. مائده/۴۴

۲. مائده/۴۵

۳. آیه: «وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ * وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أُنْزِلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مَن لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱، همان عبارت مذکور، در اینجا با «فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» پایان یافته است؛ زیرا این آیه درباره عمل به شریعت الهی و وظایف مقرر دین است؛ و هر کس از آن تخلف کند، فاسق است.^۲

شکل های چهارگانه فاصله در قرآن :

در مورد فواصل قرآن اتفاق نظر وجود دارد که آنها لازمه فصاحت و بلاغت است و از جمله مصداق آن ، سجع است که همان مقاطع کلام می باشند.^۳ ابی الاصبیح، فواصل آیات را در قرآن به چهار شکل بیان می کند:

۱. تمکین : یعنی متکلم، مقدماتی را فراهم آورد که کلام در مقطع خود پایان پذیرد، به شکلی که معنی آن، تمام شود و نامأنوس هم نباشد. مانند آیه : «قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ * وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»^۴ در آیه مذکور، سخن از رسالت، زمینه را برای سخن از ابلاغ و بیان آن نیز فراهم نموده است.

۲. تصدير : یعنی ختم کلام با عباراتی است که در صدر آیه از آن استفاده شده که آن را «رَدُّ الْعَجْزِ عَلَى الصَّدْرِ» نیز می نامند. مانند آیه: «...وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»^۱ که صدر و ذیل کلام، با عبارت «هب و وهاب» شکل گرفته است.

۱. مائده/ ۴۷-۴۶.

۲. التمهید، ج ۵، ص ۲۶۴ و ۲۶۵.

۳. در قرآن رعایت فواصل به بهترین شکل آن، متصور شده است و فواصل قرآن از نوع بلیغ ترین آنها است که می توان از موارد ذیل در قرآن یاد کرد :

۱. کلام متوازی: توافق دو فاصله (یا بیشتر)، در وزن آنها و در حروف سجع مانند : «فِيهَا سُرُورٌ مَرْفُوعَةٌ وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ...» (غاشیه/ ۱۳ و ۱۴) ۲. کلام مطرّف: توافق در حروف سجع و نه وزن، مانند: «مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا . وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَرًا» (نوح/ ۱۳ و ۱۴) ۳. کلام متوازن: توافق در وزن و حروف، نه در سجع مانند: «انهم يروونه بعيدا . و نراه قريبا..» (معارج/ ۶ و ۷) ۴. کلام مرصّع: توافق در وزن و حروف سجع با توافق در کلمات از جهت نظم و تالیف؛ مانند: «ان الينا اياهم ثم ان علينا حسابهم» (غاشیه/ ۲۵ و ۲۶) ۵. کلام متماثل: توافق در وزن و سجع و توازن و تالیف و عدد کلمات مانند : «والليل اذا عسعس. و الصبح اذا تنفس» (تکویر/ ۱۷ و ۱۸) ۶. کلام متقارب : کلامی که در حروف متقارب در تمامی اقسام مذکور (وزن، سجع، توازن، تالیف و عدد کلمات)، از نظر سجع با هم توافق دارند. مانند: «ق والقرآن المجید . بل عجبوا ان جاءهم منذر منهم» (ق/ ۱ و ۲) (التمهید، ج ۵، ص ۲۷۶)

۴. یس/ ۱۶ و ۱۷.

۳. توشیح : عبارت است از آن که در ابتدای کلام معنایی باشد که پایان کلام هم، به آن منتهی شود، مانند : آیه: «إِنَّ اللَّهَ

اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»^۲ که از معنای گزینش افراد مذکور در آیه، فاصله آن روشن می-
شود، زیرا افراد مذکور، صنفی از عالمین هستند.

۴. ایغال: عبارت است از آن که متکلم می‌خواهد معنای کلامش را پیش از به پایان رسیدن آن کامل کند، مانند آیه: «أَوَلَيْكَ
الَّذِينَ اشْتَرَوْا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»^۳ که کلام با آمدن عبارت : «فما ربحت تجارتهم» تمام
شده ولی معنایی افزون بر آن ذکر کرده و می‌فرماید: «ما كانوا مهتدين»^۴.

سجع در قرآن

رمافی، نخستین کسی است که در این زمینه بحث کرده و منکر وجود سجع در قرآن شده است. وی گفته است: وجود
فواصل در آیات قرآن، عین بلاغت است ولی سجع در آیات، عیب (و ضد بلاغت) می‌باشد زیرا فواصل، تابع معانی است
ولی در سجع، معانی تابع الفلظ است. او مدّعی است که : سجع بدین معنی است که «کلامی بجا و حکیمانه (که معنای
آن، روشن و قابل فهم است) را (برای ایجاد آهنگی خاص) تغییر دهیم هر چند که وضوح معنای جمله از بین برود و
دلالت کلام بر معنای مقصود، مختل شود .» چنین تغییری، حکیمانه نیست چون غرض حکیمانه در وضع الفاظ و کلام ،
همان اخبار و اظهار معانی است (که حاجت و نیاز بشر در انتقال مقصود خود به دیگران آن را ایجاب می‌نماید). بنابراین،
هر جا که ایجاد سجع و مشاکلت و مماثلت در کلام، باعث رسیدن بدان هدف (اظهار معانی، بدون تکلف) باشد، بلاغت
تحقق می‌یابد؛ اما اگر در مشاکلت کلامی، خود مشاکلت و مماثلت جمله‌ها و عبارات، هدف و مقصود اصلی متکلم بوده

۱. آل عمران/۸

۲. آل عمران/۳۳

۳. بقره/۱۶

۴. این بخش برگرفته از اعجاز قرآن، مودب، ص ۱۵۶-۱۵۷؛

و معانی، نادیده گرفته شود، در آن صورت قطعاً کلام م، معیوب و دارای لکنت خواهد بود (زیرا آوردن کلام به این صورت، تکلف و کوشش بی‌جایی است. که با غرض از وضع، منافات دارد).^۱

فواصل قرآن همگی عین بلاغت و حکمت است، زیرا سبک آن، نوعی قرار داده شده که الفاظ و عبارات راه رسیدن به معانی و وسیله‌ای برای درک مراد متکلم می‌باشد و خداوند به بهترین وجهی از طریق الفاظ، بدان معانی دلالت و اشاره می‌نماید. با توجه به مطالبی که ذکر شد، رمانی معتقد است به اینکه در قرآن، سجع وجود ندارد.

مفهوم سجع در کلام:

سجع در کلام، از سجع کبوتر گرفته شده است؛ زیرا کلام مسجع، جز صداهای متشاکل و متمائلی که معانی، در آن مورد غفلت قرار گرفته باشد نیست، چنانکه در سجع کبوتر و نغمه های آن هم، جز یک مشت صداهای شبیه به هم، چیز دیگری نیست، که همان هدیر است.^۲ و معنی جمله در سجع هم همین طور است، در صورتی که معانی به تبع الفاظ بدون هدف و قصد عقلایی و بدون تناسب نیاز بدان، آورده می‌شود، به طوری که غرض و هدف اصلی، آن نبوده و یا فایده‌ای بدان مترتب نشود، و در این صورت، معانی ملاک قرار نگرفته و کلمات و الفاظ از گنگی و نامفهوم بودن خارج نمی‌گردد، بلکه همانند هدیر کبوتر و بدون معنی مفهوم و گنگ خواهد بود که جز ترجیع صورتهای متشاکل، چیز دیگری از آن استفاده نمی‌شود.

نکته پایانی:

توجه به این مطلب، لازم است که همانطور که در درسهای قبل اشاره شد، آیت الله معرفت، سجع در قرآن را می‌پذیرد. البته سجع قرآنی را از قسم مخل به معنی نمی‌داند بلکه آنرا تابع معنی به حساب آورده و به همان مفهوم «فواصل آیات» می‌داند. پس تفاوت است بین سجع مذموم که گاهی معنا فدای لفظ می‌شود (و همان عمل کاهنان و برخی اعراب جاهلی نبود) و سجع ممدوح که در همه موارد، الفاظ در راستای القای معنا بکار می‌روند.

^۱. نمونه‌ای از سجع کاهنان را این گونه بیان کرده‌اند: «و الارض والسماء، و الغراب نبقاء، لقد نفر المجد الى العشاء»

^۲. هدیر الحمامة: زمانی که گفته می‌شود: «هدر الحمام» مراد این است که صدای خود را در حنجره خود قرقه نموده و تکرار کند.

۱. «فواصل آیات» حروف هم شکل در مقاطع آیات هستند که باعث می‌شوند انسان، معانی را خوب درک کند .
۲. علمای بلاغت، فواصل آیات در قرآن را بجا و بلیغ می‌دانند چون الفاظ آن تابع معنا هستند (بر خلاف سجع کاهنان که الفاظ تابع معنا نبودند).
۳. ابی‌الاصبع، انواع فاصله در قرآن را «توشیح»، «ایغال»، «تصدیر» و «تمکین» بیان کرده است.
۴. رمانی، سجع را به گونه‌ای تعریف می‌کند که در آن، معنا تابع لفظ است (که این امر غیر حکیمانه بوده و کلام را غیر بلیغ می‌نماید) لذا سجع را در قرآن انکار می‌کند؛ چون فواصل آیات قرآن، الفاظی تابع معنا بوده و کاملاً بلیغ و حکیمانه هستند .
۵. سجع در کلام، از سجع کبوتر گرفته شده که جز یک مشت صداهای همانند و آهنگین ولی بی‌معنا، بیش نیست .
۶. آیت الله معرفت سجع در قرآن را می‌پذیرد، اما آن را تابع معنا و همان مفهوم فاصله می‌داند، که عین بلاغت و حکمت است .